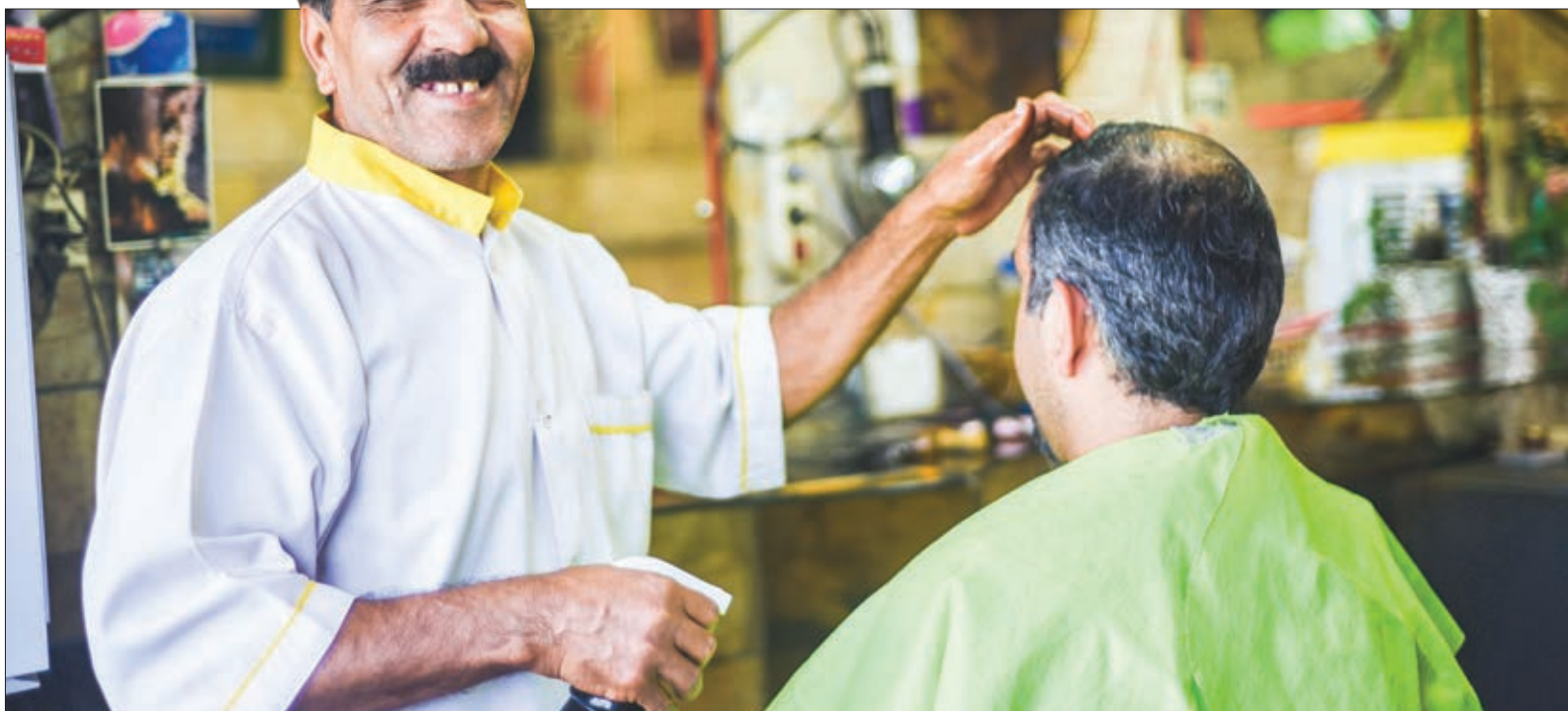




گفتگو با مردی که جنگ، فوتبال و آرایشگری را تجربه کرده است

کاسب فوتبالیست

نورا... کریمی متولد نیشابور در سال ۱۳۴۵ است. دوران خدمت زیر پرچم را در جبهه های جنگ حق علیه باطل طی کرده است. کریمی سال ها فوتبال بازی کرده و بعد از آن هم در سطح لیگ استان سابقه مربیگری داشته است. هم زمان، آرایشگر مردانه در منطقه طلاب بوده و همچنان خرج زندگی اش را از این راه تأمین می کند. ترکیبی از جبهه، فوتبال و آرایشگری، شخصیتی چند جانبه و دوست داشتنی از او ساخته است.

از دوران سربازی بگوئید.

در اوایل سال ۶۵، برای خدمت زیر پرچم اقدام کردم. حدود سه ماه را در تربت حیدریه مشغول آموزشی بودم. ۲۵ ماه بعد در منطقه جنگی همراه با لشکر عملیات پیاده ۸۴ خرم آباد بودم. منطقه مهران و اطراف آن را تحویل نیروهای ما دادند. این منطقه به تازگی در عملیات کربلای ۱ آزاد شده بود. بعد از آنجا به کانی سخت مهران منتقل شدیم و در ارتفاعات کله قندی مهران وارد درگیری با نیروهای عراقی شدیم. سپس به میمک فرستاده شدیم. بعد از آن، برای عملیات کربلای ۶ به سومار منتقل شدیم. هدف لشکر ما در این عملیات، پس گیری نفت شهر بود. بعد از این عملیات، لشکر تجدید قوا شد و سپس به میروان رفتیم و در ارتفاعات سورن میروان مستقر شدیم. حدود ۵ روز در آنجا مستقر بودیم. دوباره به میمک منتقل شدیم. آخرین عملیاتی که شرکت داشتیم، مرصاد و در اواخر جنگ بود.

در عملیات های متعددی که شرکت داشتید، مجروح شدید؟

نه؛ مشمول امداد های غیبی بودم. شاید اگر امروز این ها را برای جوان یا فردی که آن سال ها در منطقه جنگی نبوده است، تعریف کنم باور نکند؛ اما من و عموم بچه های جبهه با تمام وجود، امداد های غیبی را شاهد بودیم.

امداد غیبی چیست؟

برای درک موضوع یک مثال می زنم که در کربلای ۶، به چشم خود دیدم. برای فتح دو تپه به نام «پستانک» رفتیم و تا پای تپه رسیدیم. اما با میدان مین مواجه شدیم و از بالای تپه هم نیرو های عراقی با تیر بار از ما پذیرایی گرمی داشتند. همان جا زمین گیر شدیم و تا ۵ صبح با

رقیب در کار
ما زیاد شده
است و دخل
مغازه ام فقط
حداقل های
زندگی ام را
تأمین می کند.
می خواهم
اسم مغازه ام
را بگذارم
آرایشگاه
بخور و نمیر!

نظر شما درباره فوتبال امروز چیست؟

رسانه ها و شبکه های مجازی کوچک ترین رویداد ها را دنبال می کنند و به مردم خبر می دهند. می خواهم بگویم همه فوتبال، لیگ برتر و مسابقات جهانی نیست. فوتبال پایه و محلات و فوتبالی که رسانه های درجه ۱ به آن نمی پردازند، فوتبال اصلی هستند. اگر زمانی تیم ملی اوج می گیرد، بدانید سال های قبلش در رده های قبلی و همین زمین های آسفالت محلات، فوتبال بازی شده و ثمراتش در آن رقابت ها به تماشا گذاشته می شود. دوست دارم از بازیکنان نام آشنایی چون طیبی، عنایتی و عزیزی به عنوان نمونه نام ببرم و بگویم همه این ها بر خاسته از همین مناطق کم بر خور دار شهری هستند. آن ها دیده شدند و توانستند برای کشور افتخار بیافرینند. اگر مسئولان با فوتبال و فوتسال مناطق پایین شهر بیشتر مهربان باشند، نسل افتخار آفرینی سوپر استار های دهه هفتاد و هشتاد که از مناطق کم بر خور دار بلند شده اند، ادامه خواهد داشت.

از تباطؤ آرایشگری و فوتبال با هم چیست؟

در هر دو با عموم مردم مواجهم. وقتی تیمت در زمین قرار می گیرد و تیمی مردمی ساختی، می بینی از استاد دانشگاه تا افرادی که در سطح پایین به استاد یوم می آیند، تیم را تشویق می کنند و بعدش همه دوست دارند عکس بگیرند و نظراتشان را بدهند. آرایشگری هم به همین شکل است. من سر همه جور آدمی را اصلاح کردم. فوتبالیست های قدیمی و هم دوره ای خودم هم گاهی برای احوالپرسی می آیند و در همان زمان سرشان را مرتب می کنم. آقای طیبی که الان در تیم غیرت قزاقستان بازی می کند و لژیونر هستند، در سفری که به مشهد آمده بودند، همراه با دیگر اعضای خانواده که آن ها هم در همین منطقه طلاب سال ها مربی فوتبال بودند، برای احوالپرسی به آرایشگاه آمدند. محمد بابایی هم که زمانی فوتبالیست مشهوری بود، به آرایشگاه آمده است. آرایشگری من مثل مربیگری ام شده است. راستش نتوانستیم به آنجایی که در فوتبال شایستگی اش را داشتیم، برسیم. بعضی بزرگان فوتبال مشهد من را می شناسند. اتفاقاً همین اتفاق در آرایشگری برای من روی داد. تا وقتی جوان بودم و آرایشگری می کردم، اوضاعم بهتر بود. جوان ها از کارم استقبال می کردند، اما در این سال ها با این دوره های کوتاه مدتی که برای آرایشگری راه اندازی کردند، رقیب در کار ما زیاد شده است و دخل مغازه ام فقط حداقل های زندگی ام را تأمین می کند. می خواهم اسم مغازه ام را بگذارم آرایشگاه بخور و نمیر! متأسفانه بیمه هم نیست!

چه توصیه ای دارید که افراد، موهایشان مشکلی با ماندن و زود سفید نشود؟

بخش مهمی از سفید شدن مو، ارثی است. در موارد متعدد، بچه های حتی دوازده ساله در بین مشتری هایم دارم که موهایشان در حال سفید شدن است! از طرف دیگر مشتری هایی دارم که حدوداً هم سن خودم هستند، اما جز چند تار موی سفید، همه موهایشان سیاه است. علت عمده این مسئله، ارثی است و کاری برای آن نمی شود کرد. جز رنگ زدن که آن هم چندان توصیه نمی شود. درباره ریزش مو، امامی توانم توصیه ای داشته باشم؛ توصیه ام تمیز نگه داشتن مو است و دیگر هیچ. گول انواع شامپو های رنگارنگ داخلی و خارجی را نخورید. مهم تر از برند شامپو، این است که فرد هر روزه موهای خودش را تمیز نگه دارد. چربی و کثیفی مو باعث می شود مو ضعیف شود و بریزد.

شما یکی از نام آوران فوتبال در منطقه طلاب مشهد بودید؟

من یکی از خدمتگزاران ورزش در سال های قبل در همین حوالی بودم. از سال ۶۷ که به مشهد برگشتم، فوتبال را با تیم حافظ شروع کردم و بازیکن این تیم بودم. حدود سه سال بازی کردم و تیم حافظ به هم خورد. بعد از مدتی، جوان ها را جمع کردم و دوباره تیم حافظ را سراپا کردم. در بخش محلات، مسابقات متعددی داشتیم. یکی از دوستان تیم (حاج اکبر حسین پور) برای ما امتیاز شرکت در دسته ۴ مشهد را خرید. با این امتیاز وارد گود رقابت های جدی در آن سال ها شدیم و تالیگ استان هم رسیدیم. با همان تیم مربیگری کردم. در لیگ استان هم دوسه دوره فعال بودیم؛ اما به مشکلاتی بر خوردیم.

چه مشکلاتی؟

یادتان باشد هر وقت آدمی که در فوتبال هست، گله می کند و می گوید مشکل داشتیم، یک سر ما جزا به مباحث مالی بر می گردد. ما به سطح لیگ استان رسیده بودیم. تیم داری حمایت مالی می خواهد. مسابقاتمان در شهرستان های مختلف برگزار می شد و هزینه اعزام تیم و اسکان و همه موارد بر عهده خودمان بود. در مشهد هم که بودیم، به سبب شرکت تیم در رقابت های لیگ استان باید از زمین های چمن استفاده می کردیم. اما امکاناتمان خیلی کمتر از این حرف ها بود! به شهرداری، شورای شهر و نهادهای استانداری رقتن ما هیچ کدام همکاری نکردند. (مربی فوتبال مستنداتی را که بر اساس آن ها از نهادهای شهری و استانی تقاضای کمک داشته است، نشان می دهد؛ مجموعه نامه هایی در حدود سال ۸۴). در پایان، من رابه تربیت بدنی استان فرستادند. فقط خواسته بودم که برای اعزام تیم وسیله ای در اختیار ما قرار دهند. به من گفته شد: «باید اسپانسر پیدا کنی و به اسپانسر بگویی که به حساب اداره تربیت بدنی مبلغ را واریز کند تا ما بتوانیم شما را شارژ کنیم». یکی نیست بگوید اگر اسپانسر داشتیم که چه نیازی است بگوئیم پول را به حساب اداره تربیت بدنی واریز کند و بعد از طرف اداره ما را شارژ کنند! خب مستقیم به خودمان می داد. خلاصه، بین ادارات پاس کاری شدم و حقیقتاً هیچ کس به من جواب درستی نداد و بی فایده بود.